

فصلی از کتاب شکنجه و امید

یا

نوید اساطیر

I - اورمزد و اهریمن

۱- در آغاز نوری بود که آن ماهیت و اصل همهٔ اشیاء بود و در -
ورای نواشه (مکان یا سپهر) و زروان (زمان) مقرر داشت . نور موجوداتی
نورانی و ربانی بیافرید که بزرگترین آنها زروان (زمان بی پایان) بود که
اورا زروان نیکران و زروان درنگ خدای مینا میدند؛ زیرا سلطنت او
ابدی و دائمی است

۳۴۵

پس زروان نیکران هزار سال قربانی کرد تا در بطن او دو فرزند
پدید آمد : یکی اورمزد که به برکت قربانیا خلق شده بود و دیگری
اهریمن که نمرهٔ تردید و وسوسه‌ای بود که گاهگاه در دلش راه مییافت .
زروان نزد خود گفت هر یک از این دو فرزند زودتر نزد من بشتابد پادشاهی
عالم را بدو خواهم داد .

اهریمن زشتخو، پیکر پدر خود را بشکافت و به نزد او شتافت . زروان
درنگ خدای در برابر خود موجودی نامسعود یافت . پس او را پرسید
تو کیستی؟ اهریمن بد کنش در پاسخ گفت من فرزند توام . زروان درنگ

خدای گفت فرزند من باید نورانی و خشبو باشد و تو ظلمانی و گندیده‌ای در این میان اورمزد خجسته ، فرزند دیگر او بامنظری دلپذیر و پیکری نورانی و معطر پدید شد . زروان دانست که این فرزند حقیقی اوست پس ویرا گفت تا این لحظه که در عرشه هستی گام گذاشتی ، من در آستان آن نور که مبدع و مبدأ من است قربانی می‌کردم اینک دیگر نوبت فدیة دادن توست . اهریمن ملعون بخشم آمد و گفت آیا تو خود وعده ندادی هر فرزند که زودتر نزد تو بشتابد پادشاهی جهانرا بدو ارزانی داری ؟

زروان پاسخ داد چنین است ولی من بیش از نه هزار سال دست تو را بر جهان گشاده نکم زیرا از ماهیت ظلمانی و پلید تو بیمناکم .

۲ - اما این اهریمن بدمنش تنها از گذشته باخبر بود و از آینده آگهی نداشت و چون دانست که سرانجام شکست با اوست و قدرت ظلمانی او سبب جی و سپری ولی سلطنت نورانی اورمزد دائمی و ابدیست بتاریکی پناه برد و سه هزار سال در ظلمت محض ساکن و بی حرکت بماند . در اینجا اورمزد در بالا بود و اهریمن در پایین و همه مخلوقات اورمزد در حالت مینوکیها (یعنی حالت مغنوی) بودند .

۳ - چون سه هزار سال پایان رسید اهریمن فروغ اورمزد را دید و به ستیزه برخاست . دوران گومیزش (دوران اختلاط نور و ظلمت ، نیکی و بدی ، دادوستم ، مهر و کین ، آبادی و ویرانی) آغاز گردید پیکار نه هزار ساله اورمزد و اهریمن شروع شد . اورمزد که پیکرش چون نور و روانش چون راستی است و دارای خرد همه آگاه است ، سپاه آرائی کرد . امشاسپندان ، خداوندان نیکدانش و مظاهرها جاوید و مقدسی بوجود

آورد که دارای نظم و پاك منشی و کمال و ابدیت هستند و اورمزد در آنان تجلی کرده است؛ بر تخت زرین مینشینند و اراده آنها با اراده خورشید یکی است؛ همه آنان یکسان می اندیشند، یکسان سخن میگویند و یکسان رفتار میکنند. یکی از آنان بهمن یا منش نیک نام دارد و گل یاسمن از آن اوست و همه جانوران در حمایت او هستند و اهریمن زشتخو در مقابل این بهمن پاك منش «اکامن» زشت نهاد را آفریده که پیوسته با بهمن در ستیز است. یکی دیگر از امشاسپندان اردیبهشت نام دارد که گل مرزنگوش از آن اوست و دیو فریبنده «ایندرا» از مخلوقات شوم اهریمن با وی در جنگ است. سومی شهر یوراست یعنی کشور آرزو که مظهر اقتدار و جلوه گاه ثرحم و جوانمردیست و ریحان، گیاه ویژه اوست دیوان بد آشوبی و بدمستی با او در ستیزند. چهارمی اسفند است که مظهر شکیبائی و وفاداریست و بیدمشک مخصوص اوست و باد یو خود سری پیکار میکند. پنجمی و ششمی خرداد و مرداد مظاهر خوشی و ابدیتند که دیوان تاریخ و زاریخ (یا کرسنگی و تشنگی) با آن ستیزه میکنند و گل زنبق از آن ایشان است.

و نیز اورمزد فرشتگانی بیافرید مانند رشن، فرشته راستی و مهر فراخ چراگاه، فرشته فروغ و سروش تکاور، فرشته آتش و تشر، فرشته باران و ناهید، فرشته آب و آبادی و چیستا، فرشته دانش که هر یک منبع خیر و فضیلتی هستند. مهر، هزار چشم و هزار گوش دارد. سروش فرشته آتش باد یو کند و ستیزه میکند و آتش مقدس را پیوسته فروزندگان می- دارد و بر گردونه ای سوار است که اسبان شگرف آن سایه ندارند. تشر باد یو خشکی که بشکل سمند دم کلی است میجنگد و با باران نعمت بخش

مزارع ما را سرسبز میگرداند و رشن درستکار و روشن دشمن دزدان و راهزنان است و از جهان خاک گرفته تا فضای ایران یعنی فضای فروغ بی پایان جایی نیست که از وجود او خالی باشد .

۴ - آنگاه اورمزدروان نخستین ستور یعنی گوروشون را که موکل بر جانوران است خلق کرد و در ششمین گاهنبار انسان را از روی صور عالم روحانی یعنی عالم فروهرها بیافرید و این انسان باد و فرشته در زندگی خاکی خود همسفر است . نخستین انسان گیومرث نام داشت .

۵ - اهریمن نیز در ظلمتکده خود بیکار ننشست و مشغول سپاه آرائی شد . جادویان و دیوان و پریان را بیافرید . همه دیوها را در پناه دیو خشم سخت نیزه قرار داد . گرما و سرما و پیری و خشکی و بیماری و ویرانی و دروغ و خشم و منش بد و گفتار زشت و کردار نادرست از آن اوست . دیوان ژولیده موی از تخمه خشم و اهریمن نژادان چرمین کمرو زنگیان و آوارگان و فرومایگان و نابکاران و جادویان را از مقاربت غیر طبیعی خود بوجود آورد . بیکار نه هزار ساله صورت وقوع یافت . عناصر آلوده گردید . انسان با مصائب جانفرسا ورنجهای جانگزا روبرو شد .

۲۴۸

اهریمن هر شب دیوان را میگوید که بجهان روند و در یاها را بخشگانند و درختان هوم سپید را که ضد پیری هستند و زنده کننده مردگانند بی برگ و بار کنند و کوهها را که آرایش زمین است بچنانند و جمله رستنیها را پژمرده سازند و بکلبه مردم در آیند و گاو و گوسفند آنها را بکشند و بر حذر باشند تا نگاه آنها بر بنات النعش (هفتورنگ) و ستاره نسر واقع (وند) نیفتد زیرا در کار خود ناتوان خواهند شد .

اورمزد برای آنکه مردم را از کید اهریمن برهاند زرتشت را

فرستاد و هزار سال پس از او هوشیدرو سپس هوشیدر ماه و آنگاه سوشیانس ظهور خواهد کرد .

۶ - در یادگار جاماست آمده است که روزی گشتاسب شاه از

جاماست که روحش چون پرتو آسمان روشن بود پرسید که دین

زرتشت چندسال روا خواهد بود و پس از آن چه رخ خواهد داد؟ جاماست

پاسخ داد که پس از هزارسال از ظهور زرتشت مردمانی پدید خواهند

شد که پیمان شکنی را شیوه خود خواهند ساخت و بر ذیلت و دروغ روی

خواهند آورد و آنچهیزی را خواهند گفت و آنکاری را خواهند کرد که

در آن سودی داشته باشند . مقادیر زروسیم و بسیاری گنج و خواسته

انبار خواهند نمود . در آن دوران توانگران از درویشان فرخنده ترند

دختری که زاینده به بها بفروشدند و برادر کهنتر مهتر را بزند و برای

بدست آوردن خواسته، زورو دروغ گوید و گواهی ناراست و سخن نادرست

و ستمکاری فراخ شود . پس از آن هوشیدر ظهور کند و در زمان او آفت

اندک و شب روشن تر باشد و گرگ و دروغ تباه شود ، چون هزاره هوشیدر پس

از پانصدسال سر برود هوشیدر ماه پدید می آید . او دین بهی را رواج میدهد

و آنگاه دیوملکوس در میرسد و زمستان ملکوش شروع میشود . از سورت

برودت آن زمستان همه جانوران و گیاهان تباه میشوند ولی مردم از

حصار جم (ورجمکرد) تخمه ستورو جانوران را بیرون می آورند و جهان

را دوباره می آرایند . آنگاه هزاره سوشیانس در میرسد . ستاره دنباله دار

کوچبهر با پرتوی خونین بر زمین نازل میشود و همه مفاسد اهریمنی را

در شعله های خود خواهد گذاخت . سپاهیان اهریمن پراکنده خواهند شد

و وی بظلمت می گراید . ادرمزد درخشنده بر زمین مسلط خواهد گردید

وراستی و فروغ و مهرودانش و آبادانی جای زشتی و کژی و کین و نادانی و ویرانی را خواهد گرفت . در آن هنگام حالت «فرشکرد» یعنی حالت تصفیه و تجدید جهان تحقق خواهد یافت .

۷ - در بندهای نود و ششم و نود و هشتم «زاهیا دیشت» چنین آمده

است :

« پس از پدید شدن سوشیانس جهان از عدالت و حکمت پر میشود . خوشبختی روی میآورد «بندار و گفتار و کردار نیک ظفر میابد و جهان از دروغ پاک میشود . خشم نابود میگردد . راستی بر کژی چیره میشود . منش ناپاک از منش پاک شکست میبیند . امشا سپندان خرداد و مرداد دیوهای کرسنگی و تشنگی را بر میاندازند و اهریمن میگریزد .»

۳۵۰

یادداشت . باید متذکر بود که «گفتار اورمزد و اهریمن» باین ترتیب که در اینجا ذکر شده از لحاظ تمام جزئیات خود با روایات زرتشتی تطبیق نمیکند زیرا نویسنده چند روایت زرتشتی ، زروانی و غیره را با هم تلفیق کرده و فقط بمعنای کنایه ای این روایات و جنبه فلسفی و هنری آن توجه داشته است از جمله درباره پیدایش اورمزد و اهریمن از زروان درنگ خدای ، روایت از آن یک مورخ ارمنی بام Eznik de kolb است (به یاد آوری نویسنده ارجمند آقای صادق هدایت) این موضوع با جهانشناسی Cosmogonie زرتشتی تطبیق ندارد . منابع گفتار مورد بحث عبارت است از کتب گاتها و یشتها ترجمه و تحشیه آقای پور داود (و فصل دین زرتشتی کتاب ایران در زمان ساسانیان » تالیف ارتور کریستنسن ترجمه یاسمی) و کتابزند بهمن یشت و یادگار جا ماسب « ترجمه و تحشیه صادق هدایت » . مقصود از افزودن این یادداشت ، تاکید این نکته است تا خواننده به جنبه کنایه ای و فلسفی گفتار مورد بحث توجه کند نه به جنبه سندی و تاریخی آن